



کیت بلانشت روی صحنه نمایش

کیت بلانشت پس از ۶ سال دوباره روی صحنه نمایش می‌رود. این بازیگر استرالیایی برنده اسکار در اجرای جدیدی از نمایشنامه «مرغ دریایی» آنتون چخوف، نقش آرکادینا را اجرا می‌کند. این نمایش از ماه فوریه به‌مدت ۶ هفته در باربیکن تئاتر لندن اجرا خواهد شد. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از هالیوود ریپورتر نوشت، تام برک بازیگر «فیوریوسا: افسانه مد مکس»، دیگر بازیگر این نمایش است. این دو بازیگر به‌تازگی در فیلم «کیف سیاه» استیون سودربرگ که قرار است سال ۲۰۲۵ اکران شود، نقش آفرینی کرده‌اند. «مرغ دریایی» که معمولاً به‌عنوان اولین نمایشنامه از چهار نمایشنامه مهم چخوف محسوب می‌شود، درباره بازیگری میانسال به‌نام آرکادینا، نامزدش تریگورین که نویسنده‌ای موفق است، پسر نویسنده‌اش کنستانتین و بازیگر جوان مشتاقی به‌نام نیناست. بلانشت آخرین بار سال ۲۰۱۹ و پیش از شیوع کووید، در تئاتر ملی لندن روی صحنه رفته بود.



عبدالرضا کاهانی در ادینبورگ

«یک زیارتگاه»، تازه‌ترین فیلم عبدالرضا کاهانی، اولین نمایش جهانی‌اش را در هفتادوهمین جشنواره بین‌المللی فیلم ادینبورگ تجربه کرد. کاهانی این فیلم را با کمترین هزینه، با دوربین تلفن همراه‌اش ساخته و همه کارهای مربوط به فیلم از تصویربرداری تا تدوین را خودش انجام داده است. سادگی تولید این فیلم با سادگی روایت آن پیوند می‌خورد و فضایی می‌آفریند که در نتیجه آن تماشاگر به‌راحتی با شخصیت اصلی همراه می‌شود. قصه ساده و یک خطی فیلم، بدون پیچ‌وتاب جلو می‌رود و شخصیت اصلی به‌نام نیما خود واقعی یک ایرانی میانسال در تبعید را تصویر می‌کند که باورپذیر است. تنهایی شخصیت اصلی، مهمترین معضل او را رقم می‌زد و فیلم در واقع به فیلمی درباره تنهایی انسان بدل می‌شود. داستان این فیلم در مورد مردی است که نمی‌تواند دروغ بگوید. او که از کار زیاد خسته شده و فکر درآمدی آسان است، تصمیم می‌گیرد یک آموزه‌ده بسیار بسازد و آن را به در خانه مردم در موتورل ببرد تا در آن پول بریزند.



گیشه سینما در مرداد ۱۴۰۳

مجموع فروش سینماهای کشور در مردادماه با ۸۴ هزار و ۱۱۸ سانس به بیش از ۱۶۰ میلیارد و ۸۰۲ میلیون تومان رسید. ۳۰ میلیون و ۸۱ هزار و ۸۴۹ نفر به سینما رفتند که پرمخاطب‌ترین روز، سه‌شنبه ۹ مردادماه با ۲۳۴ هزار و ۶۵ نفر و پرفروش‌ترین روز، جمعه ۵ مردادماه با فروش بیش از ۹ میلیارد و ۱۳۸ میلیون تومان بود. از بین فیلم‌های اکران شده در این ماه «نگزاس ۲» با فروش بیش از ۵۱ میلیارد و ۴۰۳ میلیون تومان به عنوان فیلم اول، «پول و پارتی» با فروش بیش از ۵۰ میلیارد و ۳۰ میلیون تومان به عنوان فیلم دوم و «خجالت نکش ۲» با فروش بیش از ۲۱ میلیارد و ۸۲۶ میلیون تومان به عنوان فیلم سوم معرفی شدند. در بین سینماهای پرمخاطب مردادماه، پردیس سینمایی کوروش تهران با ۱۴۸ هزار و ۳۰۰ بیننده، سینمای اول، پردیس سینمایی ایران مال با ۱۲۰ هزار و ۶۷۰ بیننده سینمای دوم و پردیس سینمایی هنر شهر آفتاب با ۸۴ هزار و ۶۶۹ بیننده سینمای سوم مرداد ماه ۱۴۰۳ بودند.

اندیشه دینی



جان سلطانی زندانی بجست

تحلیل عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان از واقعه کربلا و شخصیت امام حسین

نکته: مرکز اسناد انقلاب اسلامی



فرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

توجه به گسترش درک سیاسی و اجتماعی از واقعه کربلا در دوران معاصر داستانی خواندنی است و یکی از محورهای عمده مناقشه میان نیروهای مذهبی در ایران به‌خصوص از دهه ۱۳۲۰ به‌بعد به همین مسئله اختصاص دارد. محمدتقی شریعتی در دی‌ماه ۱۳۴۱ در سخنانی در «کانون نشر حقایق اسلامی» در مشهد، امام حسین(ع) را «شهید راه آزادی» خواند و ضمن اذعان بدین نکته که: «آن چشمی که بر ابی‌عبدالله نگرید و آن دلی که نسوزد، چشم و دل بشر نیست»، تاکید کرد که هدف قیام عاشورا، اما گریه نبود: «هدف قیام سیدالشهدا را نباید اینقدر تنزل داد و منحصر به گریه کرد.» او همچنین در ادامه همین جمله گفت: «قرب به ۲۰ سال پیش، گفتن این مطلب دشوار بود.»

این دشواری ناشی از تفاوت فهم سنتی از عاشورا با فهم جدید از آن بود؛ امری که حتی در تعبیر مورد استفاده برای این حادثه تاریخی نیز خود را نمایان می‌سازد و باعث می‌شود به‌تدریج گروهی از نویسندگان مسلمان به‌جای استفاده از تعبیری چون «واقعه کربلا» یا «واقعه عاشورا»، از اصطلاحاتی با بار سیاسی و اجتماعی برای این رخداد استفاده کنند؛ الفظاتی چون «نهضت حسینی»، «قیام حسینی»، «رستاخیز حسینی» و حتی «انقلاب حسینی». نمونه‌های چنین درکی از عاشورا، خود را در سخنرانی‌های آتشین علی شریعتی نشان می‌دهد که تفسیری انقلابی از حرکت حسین دارد و می‌کوشد با شبیه‌سازی تاریخی، مردمان را به قیام رسواساز علیه دستگاه استبداد یا همان «شهادت» برانگیزاند: «شهادت، دعوتی است به همه عصرها و به همه نسل‌ها که اگر می‌توانی بمیران! و اگر نمی‌توانی بمیر.»

علی شریعتی را می‌توان مشهورترین روشنفکر دینی تاریخ ایران دانست. با این همه می‌دانیم که از پس پیروزی انقلاب به‌تدریج تحدهایی به اندیشه او به‌خصوص از جانب برخی روشنفکران و نواندیشان دینی وارد شد و فهم ایدئولوژیک او از دین مورد نقادی‌هایی جدی قرار گرفت. عبدالکریم سروش در این زمینه پیشگام بود اما به هر روی امروزه این دایره گسترده‌تر شده است و هم محققان بیشتری به نقد آرای شریعتی می‌پردازند، هم این نقد را به حوزه‌های مختلف سرایت داده‌اند. در اندیشه شریعتی، عاشورا و شهادت محوریتی اساسی دارد و طبیعی است که قرآنت شریعتی در این زمینه نیز مورد نقادی‌هایی قرار

گرفته باشد. در ادامه به شرح آرای عبدالکریم سروش و مصطفی ملکیان درباره عاشورا می‌پردازیم. از خلال توضیح این افکار، خوانندگان خود به روشنی تفاوت‌ها و شباهت‌های درک انقلابی شریعتی با تفاسیر امروزی را در خواهند یافت.

▼ **نوبت تحریک عواطف و ترویج انتقام گذشته است**
عبدالکریم سروش از نیمه نخست دهه ۱۳۷۰ نقد رویکرد ایدئولوژیک شریعتی را آغاز کرد؛ امری که به‌خصوص در مقاله مشهور «فرهت از ایدئولوژی» خود را نمایان ساخت. در این گفتارها سروش، دین را امری فراتر و فریه‌تر از ایدئولوژی دانست و فروکاستن آن را به ایدئولوژی خطا قلمداد کرد. در زمینه واقعه کربلا اما یکی از سخنرانی‌های مهم سروش که در آن به‌طرزی متمایز به مسئله ورود می‌کند، سخنرانی در جمع ایرانیان مقیم لندن است که بعدتر در روزنامه‌های ایران با عنوان «حسین بن علی و جلال‌الدین رومی» در اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۸ منتشر شد. در این سخنرانی سروش با این نکته بحث خود را آغاز می‌کند که اکثر ایرانیان در طول تاریخ تقابلی میان ایرانیت و اسلامیت نمی‌دیدند و به همین سبب «واقعه کربلا یکی از وقایعی بود که رفته‌رفته برای ایرانیان، رنگ ملی به خود گرفت.» او البته دست صفویه را در این تشدید توجه نیز نادیده نمی‌گیرد. این نکته‌ای است که شاید شباهتی با بحث شریعتی درباره تشیع صفوی و تقابل معنادار آن با تشیع علوی داشته باشد. خواندن ادامه مقاله سروش، نشان می‌دهد که او شاید به زبانی و از زاویه‌ای دیگر به این تفاوت‌ها نظر داشته باشد؛ نظرگاهی که مانند شریعتی هویت محور نیست.

▼ **سنخ دینداری**

سروش میان سه سنخ از دینداری تمایز قائل می‌شود: دینداری مصلحت‌اندیش، دینداری معرفت‌اندیش و دینداری تجربت‌اندیش. دینداری مصلحت‌اندیش نزد سروش آن دینی است که دینداران آن، دین را برای مصالح دنیوی (و حتی مصالح اخروی) می‌خواهند. او این سنخ دینداری را امری مذموم نمی‌داند و می‌گوید: «کسانی که دین را یک نهاد، یا یک آیین اجتماعی می‌بینند که می‌تواند برای آنها حکومت بپا کند، اقتصاد بدهد، قوانین تجارت بیاورد، تربیت و تعلیم و شیوه مدیریت خانواده را به آنها بیاموزاند و به‌طورکلی حیات دنیوی آنها را تأمین کند و راه سعادت را در این دنیا و در جهان دیگر به آنان بنمایاند، به چنین نوعی از دین علاقه‌مند هستند.» در این الگو شخص می‌تواند حتی بدون «اطلاع و معرفت کافی نسبت به غایات و مصالح تعلیمات

دینی»، «فقط به امید رسیدن به نتایج مطلوب و سعادتبخش به احکام و دستورات دینی عمل کند.»

در دینداری معرفت‌اندیش اما عقل نظری محوریت پیدا می‌کند و دیندار معرفت‌اندیش، دین را به منزله یک موضوع قابل تأمل معرفت‌شناسانه مورد توجه قرار می‌دهد. او می‌خواهد از سر تدریس و تحقیق در اعتقادات و احکام، دلیل و چرایی آنها را دریابد: «خدا و انسانی که در پرتو این تأملات شناخته می‌شوند و جهان دینی که این چنین بنا می‌شود، یک جهان فوق‌العاده سنجیده، اندیشیده، حساب شده، مضبوط و معقولی است.» دیندار مصلحت‌اندیش در مورد شخصیت‌های دینی هم به تحلیل و تقدیس اکتفا نمی‌کند، بلکه به تحلیل زندگی آنها هم می‌پردازد.

در مرتبه سوم اما دینداری تجربت‌اندیش قرار می‌گیرد؛ تجربه‌ای دینی که شخص نه‌فقط در پرتو تأملات عقلانی، بلکه در شعاع تجربه‌ها و دریافت‌های درونی خود نیز حرکت می‌کند. در چنین سنخی از دینداری، اشراق، ارادت قلبی و تجربه‌های دینی نقش پررنگی پیدا می‌کنند: «در اینجا شخص به‌جای اینکه چیزی را بفهمد، آن را می‌چشد و به‌جای آنکه آن را بشنود، می‌بیند.» به بیان مولانا که خود یکی از بزرگان دینداران تجربت‌اندیش است: «گوشم شنید قصه ایمان و مست شد / کو قسم چشم، صورت ایمانم آرزوست.»

سروش می‌گوید، غالب دینداران به سنخ مصلحت‌اندیش دینداری تعلق دارند، اما نخبگانی نیز هستند که یا معرفت‌اندیشند یا تجربت‌اندیش. در سنخ مصلحت‌اندیشانه، مواجهه با شخصیت‌های دینی رنگ و بویی اسطوره‌ای به خود می‌گیرد و غیرعادی بودن و پر از رمزرواز بودن را می‌طلبند. همین علاقه‌مندی‌هاست که گاه نیز به تحریف تاریخ می‌انجامد و باعث اعتراض کسانی چون مرتضی مطهری می‌شود. سروش یکی از تحریف‌های مهم در نقل واقعه عاشورا را این می‌داند که بر خی کوشیدند آن را فقط دستمایه‌ای برای تحریک عواطف بکنند و به‌جای آنکه تکیه بر عقلانیت، عظمت و غایت امام حسین داشته باشند، بر قساوت ظالمان مقابل او افزودند. چنین امری خود منجر شد که بر جنبه‌های خونریزانه و خشونت‌آمیز این حادثه بیشتر تاکید شود: «لذا در حادثه عاشورا و در نقل این واقعه، در عرصه دینداری مصلحت‌اندیش عامیانه، یزیدیان معمولاً از حسین و اصحاب او سهم بزرگتری می‌یافتند.»

▼ **تحلیل شریعتی از عاشورا**

سروش نوع تحلیل شریعتی را البته تحلیلی در میدان دینداری معرفت‌اندیش می‌داند و می‌گوید، او در غنابخشی به وجه تنوریک انقلاب ایران نیز نقش مهمی داشت. به زعم سروش، در تفسیر شریعتی، «نهضت امام حسین(ع) نهضتی کاملاً عقلانی بود و کاری که او کرد، کاری هدفدار و سیاسی بود.» هدف رسواسازی بنی‌امیه است و چون امام می‌دانست که با حرکت خود نمی‌تواند حکومت بالفعل یزید

